

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



فلسفه حجاب و عفاف در قرآن کریم

فاطمه مهدی زاده^۱ فائزه مهدی زاده^۲ محمد حسین مهدی زاده^۳ معصومه مهدی زاده^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، پردیس شهید باهنر، دانشگاه فرهنگیان کرمان (fatemeh78734945@gmail.com)

^۲ کارشناس ارشد مهندسی شیمی، کرمان

^۳ کارشناس ارشد دبیری فیزیک، کرمان

^۴ کارشناس دبیری علوم تجربی، کرمان

چکیده:

عفاف و حجاب اسلامی ضامن حفظ و پاسداری از کیان و شخصیت همه افراد جامعه، به ویژه قشر بانوان می باشد. بنابراین از مهمترین ثمره های آن، می توان به تحصیل سلامت روانی پایدار اشاره کرد که خود از بزرگترین نعمت های الهی در طول زندگی بشری شمرده می شود. رابطه دو طرفه حجاب و عفاف یک رابطه مثبت و معناداری است یعنی بر هم تاثیر گذاشته و از هم تاثیر می پذیرند اما نکته بسیار مهم این است که عفاف تاثیر شدیدتری بر حجاب دارد در حالی که تاثیر حجاب بر عفاف به نسبت کمتر اما معنادار است. این مقاله حاصل کوشش محققین در زمینه حجاب، عفاف و رابطه این دو با یکدیگر است.

واژگان کلیدی: قرآن، حجاب، عفاف.

اولین همایش ملی علوم انسان در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبای

hcwconf.ir



مقدمه:

یکی از موضوعات مهم و پیچیده در حوزه علوم انسانی مسئله انسان شناختی است؛ زیرا هم به درون انسان و هم به برون او توجه دارد. در حوزه انسان شناختی نیز یکی از مهم‌ترین مفاهیم اخلاقی که همواره مورد بحث در محافل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی بوده، حجاب و عفاف است [۱].

حجاب و عفاف سابقه‌ای طولانی در زندگی بشر دارد و این پیشینه از آن روست که خاستگاه آن فطرت آدمی است. این دو واژه با آنکه در کنار هم به کار برده می‌شوند، اما با هم تفاوت دارند [۲]. در این مقاله سعی شده‌است تا به معرفی این دو واژه به طور جداگانه پرداخته شود.

حجاب:

حجاب در کتاب‌های لغت به معنای پوشش، پرده و مانع آمده است. به نهبان، حاجب می‌گویند؛ چون مانع ورود اغیار و بیگانگان در یک حریم و محیط خاص می‌گردد. بنابراین، حجاب و پوشش زن نیز به منزله یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند [۳].

به زعم استاد شهید مطهری، واژه حجاب از نظر لغوی به معنای پوشیدن، پرده و پردگی است که استعمال آن درباره پوشش زن، در عصر حاضر شایع شده است و در واقع اصطلاح رایج فقهی، یعنی کلمه ستر، به معنی پوشش است که در مورد پوشش زن در هنگام نماز و غیرنماز استفاده شده‌است [۴].

آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور از آیات اصلی مربوط به تکلیف پوشش هستند که در واقع مربوط به وظایف زن و مرد در معاشرت با یکدیگر است. این آیات بیان میدارند که:

- ۱- هر مسلمان، چه مرد و چه زن، باید از چشم چرانی و نظر بازی اجتناب کند.
 - ۲- مسلمان، خواه مرد یا زن، باید پاکدامن باشد و عورت خود را از دیگران بپوشاند.
 - ۳- زنان باید پوشش داشته باشند و آرایش و زیور خود را بر دیگران آشکار نسازند و درصدد تحریک و جلب توجه مردان برنیایند، یعنی به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازند [۵].
- واژه حجاب هفت بار در قرآن کریم آمده است و معنای کلمه در این هفت مورد، چیزی است که از هر جهت مانع دیده شدن چیز دیگر شود [۶]. حجاب به معنای پوشش اسلامی دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. بعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بعد سلبی آن حرام بودن خودنمایی به نامحرم است. این دو بعد باید در کنار یکدیگر باشند؛ تا حجاب اسلامی محقق شود. گاهی، ممکن است یک بعد باشد ولی دیگری نباشد که در این صورت، نمی‌توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است [۷].
- کند و کاو در آیات حجاب، به صورت یکجا و همه سو، نشان خواهد داد که حکم حجاب یکباره اعلام نشده است بلکه کم کم و با گذشت زمان و آماده شدن زمینه بر قلب مبارک پیامبر اکرم (ص) نازل شده‌است [۸].

نخستین مرحله، نزول آیات ۳۲، ۳۳ و ۵۳ سوره احزاب است:

«وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ

هرگاه از زنان رسول متاعی می‌طلبید، از پشت پرده بخواهید» (احزاب، ۵۳)

سپس دلیل این دستور را چنین بیان می‌فرماید: «ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهن؛ حجاب برای آنکه دل‌های شما و آنان پاکیزه بماند، بهتر است.» پیش از نازل شدن آیه حجاب در این سوره، آیات دیگری نازل شده که در آنها شأن همسران پیامبر از دیگر زنان، در صورت حفظ

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



تقوای الهی، برتر دانسته شده است و به همسران پیامبر دستور داده شده که از حجره ها، مگر برای کارهای ضروری خارج نشوند و با ناز و کرشمه، با مردان سخن نگویند و مانند دوره جاهلیت نخستین خود را زینت ندهند [۲].

دومین مرحله، نزول آیه ۵۵ سوره احزاب است:

«لا جناح علیهن فی آبائهن ولا أبناهن ولا اخوانهن ولا أبناء اخواتهن ولا نسائهن ولا مملکت ایمانه و اتقین الله ان الله کان علی کل شیء شهیدا

و زنان را باکی نیست که بر پدران، فرزندان، برادرانشان، فرزندان برادران، فرزندان خواهرانشان، زنان مسلمان و کنیزان ملکی بدون حجاب در آیند و (از غیر اینها اجتناب کنند و از خدا بترسید که او بر همه چیز کاملاً گواه است)» (احزاب، ۵۵).

از بررسی این آیات، نکاتی به دست می آید و آن اینکه، پنج گروه نخست از گروه های نام برده، همان هایی هستند که «محرمان نسبی» نام دارند یعنی پدران، فرزندان، برادرانشان، فرزندان برادران، فرزندان خواهرانشان [۲].

سومین مرحله، نزول آیه ۵۹ سوره احزاب است:

«یا ایها النبی قل لأزواجک وبناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن، ذلک أدنی آن یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفور رحیم ای پیامبر، به همسران و دختران خود و زنان مؤمن بگو: چادرهای خود را بر دوش گیرند. این نزدیک تر است برای اینکه شناخته و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند و خدا آمرزنده مهربان است» (احزاب، ۵۹).

این آیه رعایت حجاب را برای تمامی زنان و دختران از جمله زنان پیامبر اکرم (ص) لازم و ضروری می داند تا در اجتماع مورد آزار و آسیب جنسی از ناحیه بیماردلان قرار نگیرند. در شان نزول آیه فوق، چنین آمده است که زنان مسلمان در عصر رسول گرامی اسلام (ص) به مسجد می رفتند و پشت سر پیامبر (ص) نماز می گذاردند، هنگام شب که برای نماز مغرب و عشا می رفتند، بعضی از جوانان بر سر راه آنها می نشستند و با مزاحمت و سخنان ناروا آنها را آزار می دادند. آیه فوق نازل شد و به آنها دستور داد حجاب خود را بطور کامل رعایت کنند تا به خوبی از کنیزان شناخته شوند و کسی بهانه مزاحمت پیدا نکند. لغت شناسان و مفسران جلاباب را به معانی ملحفه (چادر) و پارچه بزرگی که از روسری بلندتر است و سر و گردن و سینه ها را می پوشاند مقنعه و خمار (روسری) و لباس گشاد و وسیع میدانند. هر چند معانی فوق با یکدیگر متفاوتند ولی فصل مشترک همه آنها پوششی است که از روسری، بزرگتر و از چادر، کوچکتر باشد و پشت و سینه را بپوشاند. فعل «یدنین» نیز بر این دلالت می کند که زنان "جلاباب" را به بدن خویش نزدیک سازند تا درست آنها را محفوظ دارد، نه اینکه آن را آزاد بگذارند به طوری که گاه و بیگاه کنار رود و بدن آشکار گردد [۲].

چهارمین مرحله، نزول آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور است:

«قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم ویحفظوا فروجهم ذلک أزرکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون (۳۰) قل للمؤمنات یغضن من أبصارهن و یحفظن فروجهن ولا یدین زینتهن الا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن ولا یدین زینتهن إلا لبعولتهن أو آبائهن أو أبناء بعولتهن أو آبائهن أو أبناء بعولتهن أو اخوانه أو بنی اخوانهن أو بنی اخواته او نسائهن أو ما ملکتم ایمانه أو التابعین غیر اولی الاربه من الرجال أو الطفل الذین لم یظهروا علی عورات النساء و لا یضربن بأرجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن و توبوا الی الله جمیعا ایها المؤمنون لعلکم تفلحون» (۳۱).

به افراد با ایمان بگو: چشم های خود را کوتاه کنند و در حفظ پوشش اندام خویش بکوشند. این برایشان تزکیه و پاکی بیشتری در بردارد، مسلماً خداوند نسبت به آنچه می کنند، آگاه است. به بانوان با ایمان بگو: چشم های خود را فرو گیرند، عورت های خویش را پوشیده نگاه

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



دارند، زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است، آشکار ننمایند و روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه آنان آشکار نشود)».

آیه ۳۱ سوره نور، بیان چهارمین مرحله از حجاب را بر عهده دارد و افزون بر حجاب زنان، امور گوناگون دیگری، مانند کوتاه کردن نگاه مردان، آشکار نکردن زینت و آرایش در نزد نامحرمان را نیز از شأن نزول آن دانسته اند؛ هم‌چنین از این آیه فهمیده می‌شود که پوشاندن همه بدن به جز دستها تا مچ و صورت برای زنان واجب است [۲].

انواع حجاب در قرآن کریم:

۱- حجاب چشم: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): "حماديات النساء غض الأبصار حفر الأبصار حفر الأعراض فصر الوهازه" رسول خدا می‌فرماید: بارزترین درجه زنان سه چیز است: پوشیدن چشم از نامحرمان، پوشیدن تمام اندام از بیگانگان، کم و با حیا از منزل بیرون شدن. قرآن در این آیه می‌فرماید: «قل للمؤمنين يغضوا من أبصارهم ويحفظوا فروجهم ذلك أزكى لهم مؤمنان را بگو که دیدگان خویش را فرو دارند و شرمگاه های خود را بپوشانند، این، برای افزایش تزکیه آنها مؤثرتر است.» یا در این آیه می‌فرماید: «وقل للمؤمنات يغضضن من أبصارهن ويحفظن فروجهن ولا يبدين زينتهن إلا ما ظهر منها وليضربن بخمرهن على جيوبهن و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نمایند و (اطراف روسری های خود را بر سینه خود افکنند...» رسول خدا همچنان می‌فرماید: برای هر عضوی بهره ای از زنا است و زناي چشم، نگاه بد (چشم چرانی) است [۷].

۲- حجاب در گفتار: نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است. «فلا تخضعن بالقول فيطمع الذي في قلبه مرض؛ زنها که نازک و نرم با مردان سخننگویید، مبدا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است، به طمع افتد [۹].

۳- حجاب رفتاری: نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه ای راه نروند که با نشان دادن زینت های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند. «و لا يضربن بارجلهن ليعلم ما يخفين من زينتهن؛ و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود» [۹].

۴- حجاب قلبی: «وإذا سألتهمون متاعا فاسألوهن من وراء حجاب ذلكم أطهر لقلوبكم وقلوبهن و هرگاه از زنان پیامبر (ص) کالایی خواستید، از پشت پرده بخواهید. این، سبب افزایش طهارت دل‌های شما و آنان می‌شود». پیامبر اکرم (صلى الله عليه و آله) می‌فرماید: از گفتگو و اختلاط با زنان بپرهیز، به راستی هیچ مردی با زن نامحرمی در خلوت سخن نمی‌گوید، مگر اینکه در دل او نسبت به وی رغبت پیدا می‌کند؛ بنابراین، حجاب و پوشش زن، به منزله ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرمی است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند [۷].

آثار و ثمرات حجاب:

الف آثار فردی حجاب:

۱- ارزش و کرامت زن در سایه حجاب: اسلام برای زن پوشش و حجاب می‌خواهد بدان خاطر که برای او حرمت قائل است. خودآرایی عرضه او را در جامعه نمی‌پذیرد، زیرا که مشتریان او افراد بی‌قید و هرزه اند نه افرادی شریف و پاک و طبیعی. بنابراین اسلام زن را همچون گنجینه ای از گوهرهای گران قدر به حساب می‌آورد. از این

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



رو برای او ستر و پوشش معین کرد تا دزدان شرف با مشاهده او به وسوسه نیفتند و برای فریب او دام نگسترانند تا تمتعات و التذاذات او آزاد و رایگان نباشد [۹].

۲- نگاه انسانی نه حیوانی در سایه حجاب: در سایه بی حجابی زن به صورت حیوانی درآمد که باید از جنسیت او، بی هیچ قید و شرط و حد و مرزی بهره گرفت این حیوان که افسارش به دست دنیاداران حریص است. این افسار، همان نگاه مردان است که آنان را غافل از همه چیز، برده وار به دنبال زنان می کشد و کار به جایی می رسد که اگر زن بسته به آن است که او را نگاه کنند، مرد نیز برای آن زنده است که زن را نگاه کند. در واقع فلسفه پوشش محفوظ داشتن وی از نگاه های شهوانی و حیوانی است [۹].

۳- مصونیت و آرامش زن: حجاب برای زن یک دژ است، یک سنگر و حریم است. او را از خطرات و آسیب ها حفظ می کند جایگاهی است که زن وجود و شخصیت خود را در آن سامان می بخشد. اصولاً پیکر زن عریان جلب کننده و بی حفاظ است اگر در حصار پوشش قرار نگیرد در معرض آسیب ها قرار خواهد گرفت، حجاب برای او امنیت پدید می آورد؛ زیرا نفس آدمی دریایی از خواستن است، زمانی که به چیزی تمایل ندارد آرامش بر آن حاکم است اما وقتی به چیزی رغبت کند، همانند دریا طوفانی می شود و تنها رسیدن به آن خواسته می تواند جزر و مد این دریای طوفانی را آرام کند [۱۰].

۴- حجاب مخالفت با هوای نفسانی است: «هوای» به معنای میل نفس به شهوت و خواسته ماست یکی از معانی «هوای» «افتادن و سقوط کردن» است. در آیات شریفه اشاره دارد به این که پیروی از هوای نفس، بندگی آن محسوب می شود و موجب گمراهی از راه خدا می شود. میل به خودنمایی و جلوه گری در سرشت زن، نهفته است که باید در مسیر درست و هدفی والا بکار گرفته شود بی گمان این گرایش در وجود زن اگر همچون سایر میل ها به درستی به کار گرفته شود، ثمرات مطلوبی خواهد داشت و در جهت کمال او کارآمد خواهد بود و در مسیر فراهم آوردن محیطی مناسب همراه با زندگی اش، سودمند خواهد شد، چرا که هیچ گرایش درونی بدون جهت در جان انسان به ودیعت نهاده نشده است؛ اما اگر این گرایش مرزی نداشته باشد و خودنمایی و جلوه گری همواره در همه جا نموده داشته باشد، قطعاً فساد آفرین خواهد بود [۱۱].

۵- حجاب کمال انسان و بی حجابی سقوط شخصیت: اسلام برخلاف غرب و غرب زدگان که کمالات زن را به جلوه گری و خودنمایی در انظار عمومی می داند، منزلت زن را مربوط به جنبه های بدنی و جسمی او نمی داند، بلکه آن منزلت را مربوط به روح الهی او می داند و به خاطر حفظ همین ارزش والاست که با قانون حجاب و احکام دیگر روابط بین او و مردان محدودیت ایجاد کرده است زیرا چنان که گفتیم اگر کمالات زن را فقط محدود به کمالات ظاهری می دانستیم پرداختن به این ظاهر آن قدر انسان را مشغول می کند که او فرصت شکوفایی استعدادهای دیگر را هرگز نخواهد یافت و راه ترقی و تکامل بر او بسته خواهد شد و لذا زن یا مردی که از حجاب می گریزند در واقع خرد واقعی و آن استعدادها را اسیر کرده و از حرکت به سوی کمال حقیقی عاجز و ناتوان است [۹].

ب) آثار اجتماعی حجاب:

حجاب تنها یک دستورالعمل دینی و وظیفه شرعی برای زنان مسلمان نیست، بلکه از ضرورت های اجتماعی جوامع انسانی است که با وجود آن منافع و تأثیرات شگرفی در جامعه پدیدار شده و عدم رعایت آن، زیان ها

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



و آثار مخربی در فرهنگ عمومی اجتماع و حتی اقتصاد و سیاست بر جای گذاشته است. زن در پرتو حفظ این ارزش می تواند عامل نیرومندی در جهت حفظ سنت ها و روابط اجتماعی سالم و ارزش های انسانی و معنوی باشد. به همین دلیل حجاب به عنوان بارزترین نشانه هویت زن مسلمان به شمار می رود و ما به وضوح در کشورهای اسلامی، آثار وجودی آن را می بینیم [۹]. در این نوشتار برخی از آثار اجتماعی حجاب را بررسی می کنیم:

۱- **استحکام نهاد خانواده:** از آثار اولیه رعایت حجاب در جوامع، استحکام نهاد خانواده به عنوان کوچک ترین و مهم ترین نهاد اجتماعی است. با رعایت اصل حجاب و پوشش در محیط بیرون از خانواده، حریم زن و شوهر حفظ می شود و خانواده دارای ثبات خواهد شد [۹].

۲- **حضور سازنده و سالم زنان در جامعه:** از یک سو، ظاهر زن به ویژه اگر به ارائه ها و پیرایه هایی آراسته گردد، جذاب و هوس انگیز است، از سوی دیگر بخش عظیمی از نیروی انسانی یک جامعه که می توانند به رشد و تعالی آن جامعه کمک کنند و در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نقش آفرینی نمایند، زنان هستند. اسلام با طرح پوشش و حجاب در حقیقت جواز حضور زنان در اجتماع را به صورتی سازنده و سالم صادر نموده است و با دستورهایی حکیمانه و راهگشا از یک سو این نیروی عظیم را از تباه شدن نجات داده و از سوی دیگر جلوی فسادگستری و ناهنجاری های ناشی از اختلاط زن و مرد را گرفته است [۹].

۳- **ایجاد آرامش روانی در افراد جامعه:** نفس آدمی دریایی از خواستنی ها و تمایلات است. زمانی که به چیزی رغبت پیدا کند همانند دریا، توفانی می شود و تنها راه آرام شدن جزر و مد این دریا، رسیدن او به خواسته خویش است. لذا برای جلوگیری از چنین موقعیت مهلک و درد طاقت فرسایی، حجاب؛ داروی درمان کننده و موجد امنیت و صفای روحی است [۹].

۴- **حرمت بخشی به زنان:** زن مسلمان، تجسم حرمت و عفت در جامعه است و حفظ پوشش نوعی احترام گذاردن به زن و حفظ وی از نگاه های شهوانی است [۹].

۵- **کاهش مفاسد و رشد فضایل اخلاقی در جامعه:** از عواملی که موجب تقویت بنیان جامعه و رشد و پویایی آن می شود، تلاش در جهت کاهش مفاسد و به همان نسبت رشد و توسعه ارزش ها و فضایل اخلاقی در بین افراد جامعه است. جامعه ای که فساد و تباهی در آن رو به گسترش باشد، محکوم به نابودی و انحطاط است و زندگی افراد در آن از سعادت و خوشبختی به شقاوت و پستی کشیده خواهد شد. در این میان حجاب زن در جامعه که خودنمایی و جلوه گری آنان را محدود می کند عامل مهمی در کاهش مفاسد اجتماعی و به همان نسبت رشد فضایل اخلاقی خواهد بود [۹].

۶- **شکوفایی علمی و اقتصادی:** بدون شک شکوفایی علمی و اقتصادی عامل مؤثری در پویایی و توسعه همه جانبه جامعه است و از آنجاکه زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می دهند، لذا می توانند نقش مؤثری در شکوفایی علمی و اقتصادی آن داشته باشند. از آن گذشته باید این حقیقت را پذیرفت که ابتذال و بی حجابی زنان نه تنها شرایط مناسب جامعه را برای رشد و شکوفایی علمی و اقتصادی مردان بر هم خواهد زد؛ بلکه تأثیر بسزایی در تضعیف روحیه علم جویی خود زنان و هدر رفتن منابع مالی آنان خواهد داشت. زنی که هر روز برای خودنمایی بیشتر

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



و استفاده از مدهای جدید مبالغه‌نگفتی هزینه می‌کند، دیگر نه تنها علاقه به فراگیری علم و بالا بردن سطح معلومات خود ندارد، بلکه وقت و زمانی برای او باقی نخواهد ماند [۹].

۷- استحکام جوامع اسلامی در برابر نفوذ بیگانگان: با تمام آنچه گفتیم شاید مهم‌ترین اثر حجاب و دوری از فرهنگ برهنگی که امروزه به صورت یک بیماری رواج می‌یابد، حفظ استحکام و استواری جوامع است تا جایی که بی‌حجابی و گسترش برهنگی در کشورهای اسلامی، یکی از ابزارهای مهم بیگانگان در تسلط بر آن کشورها شده است. استعمارگران برای استثمار ذخایر عظیم انسانی و اقتصادی کشورهای اسلامی، نخست باید آن‌ها را از درون تهی می‌کردند، برای همین باید هویت دینی از آن‌ها گرفته می‌شد و حجاب از نشانه‌های ارزشمند و قدرتمند آن به شمار می‌رفت. برای این تسلط، زنان بهترین انتخاب بودند زیرا زنان بیشتر از مردان درگیر جنبه‌های ظاهری دنیا هستند و احساس و عاطفه نیز در آن‌ها قوی‌تر است [۹].

عفاف:

عفاف با فتح حرف اول، از ریشه «عفت» است و راغب اصفهانی در مفردات خود، عفت را چنین معنی می‌کند: «العفه حصول حاله للنفس تمتنع بها عن غلبه الشهوه». عفت، پدید آمدن حالتی برای نفس است که به وسیله آن از فزون‌خواهی شهوت جلوگیری شود. هم‌چنین در لغت‌نامه دهخدا، عفت به معنای پارسایی و پرهیزگاری، نهفتگی، پاکدامنی و خویش‌داری است [۱۲].

از جمله آیاتی که رعایت عفاف در آن مطرح شده آیه: «یا نساء النبی لستن كأحد من النساء إن اتقیتن فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض...» ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید تقوی پیشه کنید، بنا براین به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگوئید که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگوئید (احزاب/۳۲).

خداوند در این آیه زنان پیامبر(ص) را بر پیشه کردن تقوا و حفظ عفاف در گفتار فرا خوانده است. ابتدا ایشان را در ادای تکلیف، همسان با دیگر زنان ندانسته و بر این نکته تأکید کرده که مسئولیت شما زنان پیامبر(ص) بیش از سایر زنان است و سپس نحوه سخن گفتن ایشان با مردان نامحرم را تعیین نموده است. بر این پایه با عنایت به شرط «إِن اتقیتن» تقوا زمینه ساز پاسداشت عفاف در گفتار است و زنان پیامبر(ص) باید موقعیت خود را درک کنند و مسئولیت سنگین خویش را به فراموشی نسپارند و بدانند که اگر تقوا پیشه کنند، در پیشگاه خدا مقام بسیار ممتازی خواهند داشت. خداوند پس از بیان این مقدمه ایشان را برای پذیرش مسئولیت‌ها آماده می‌سازد و به آنها شخصیت می‌دهد و می‌فرماید «بنابر این به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگوئید که بیماردلان در شما طمع کنند» بلکه به هنگام سخن گفتن، جدی، خشک و بطور معمولی سخن بگوئید [۲].

علامه طباطبائی معتقد است این امور (رعایت عفاف در گفتار) میان زنان پیامبر(ص) و سایر زنان مشترک است و آوردن جمله «شما مثل سایر زنان نیستید» برای تأکید است و می‌خواهد این تکالیف را بر آنان تأکید کند و گویا می‌فرماید شما چون مثل دیگران نیستید، واجب است در این تکالیف کوشش و رعایت بیشتری بکنید و در دین خدا بیشتر از سایر زنان احتیاط به خرج دهید [۲].

ارتباط عفاف با حجاب:

دو واژه «حجاب» و «عفاف» در اصل در معنای منع و امتناع مشترکند. تفاوتی که بین منع و بازداری حجاب و عفت ورزیدن است، تفاوت بین ظاهر و باطن است؛ چون عفت یک حالت درونی است و نیز تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است؛ بدین ترتیب هر چه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه باطنی و درونی

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



عفت، تأثیر بیشتری دارد؛ و بالعکس هر چه عفت درونی و باطنی بیشتر باشد باعث حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر در مواجهه با نامحرم میگردد. در همین ارتباط برخی چنین نگاشته اند: «حجاب و عفاف، دو ارزش راستین برای انسانها، به ویژه خدا جویان و دین باوران پاک سیرت، محسوب میشود. حجاب مانع ظاهری است که همچون صدف، گوهری گرانسنگ را در آغوش خود حفظ میکند و نشان از بهای والا و چشمگیر آن دارد، و عفاف حالتی درونی و نفسانی است که از شعله ور شدن هوا و هوس و پیشروی شهوت جلوگیری میکند. این دو ویژگی بر گرفته از اعتقادات ناب دینی و باورهای پاک الهی است؛ یکی «پوشش ظاهری» است و دیگری «کوشش باطنی»؛ یکی «نماد بیرونی» در دیدگان افراد جامعه دارد و همچون بیهوشی افراشته و شعاری نمایان، همگان را به صلاح و رستگاری فرا میخواند و دیگری «نمود درونی» در سازمان دهی اعضا و مدیریت چشم و گوش و دل و دیده دارد تا هر یک در مرحله ای صحیح و سازنده به کار گرفته شوند و در مرزهای ممنون الهی متوقف گردند. آن عظمت و این عزت، موجب گردیده که افزون بر «حق الناس» بودن حجاب، «حق الله» نیز محسوب شود و علاوه بر حفظ مصالح عمومی جامعه، طاعت و اطاعت پروردگار مهربان نیز دانسته شود» [۱۲].

بحث و نتیجه گیری:

«حجاب و عفاف» در قاموس بشری، واژه‌های آشنایی هستند که در گذر زمان از سنت به سوی مدرنیته، فراز و نشیب های زیادی را طی کرده است. در این میان مردان و زنان (به خصوص زنان) در مسیر تند باد حرکت به سوی مدرنیسم، در معرض برهنگی فرهنگی و فرهنگ برهنگی قرار گرفتند تا در توسعه سرمایه داری نقش خویش را ایفا می کنند. نگاهی به مبانی «حجاب و عفاف» که برخاسته از حقایق دین و در افق بالاتر از عالم ماده تدوین و تبیین شده است، در عصر برهنگی، تنها پاسخ مثبت و حقیقی به نیازهای درونی و بازگشت به گرایش های فطری جامعه انسانی است که سلامت، امنیت، معنویت و کمال را در خانواده و اجتماع میسور می سازد و این انتخاب تنها راه رسیدن به کمال و سعادت الهی است، مبانی و ریشه و راه های این حقیقت را می توان از بطن قرآن و روایت های اصیل اسلامی به دست آورد.

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



منابع:

- [۱] طیبی‌نیا، موسی و احمدی، حبیب. (۱۳۹۲). مدل‌یابی معادلات ساختاری حجاب و عفاف، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال چهارم، شماره ۴.
- [۲] شعبان‌پور، محمد؛ بشارتی، زهرا و ولدخانی، محمدمهدی. (۱۳۹۷). تحلیلی بر حجاب و عفاف از منظر قرآن با تکیه بر مصلحت در نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی، اندیشه‌ی علامه طباطبائی (ره)؛ سال چهارم، شماره ۶.
- [۳] قزلباش، سیمین. (۱۳۹۹). حجاب از منظر قرآن، فصلنامه اورمزد، شماره ۵۰ (ب).
- [۴] قاسمی ارانی، ابودر و خرم‌آبادی ارانی، زینب. (۱۳۹۴). جلوه‌های زبانی قرآن کریم، فصلنامه حبل‌المتین، سال چهارم، شماره یازده.
- [۵] محبوبی‌منش، حسین. (۱۳۸۶). تحلیل اجتماعی مسئله حجاب، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان سال دهم، شماره ۳۸.
- [۶] شهیدی، سید جعفر. (۱۳۸۰). حجاب در قرآن، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، دوره ۷، شماره ۲۵.
- [۷] محمودی، ماریه. (۱۳۹۹). عفاف و حجاب از دیدگاه قرآن و احادیث، مجله علمی علوم اسلامی انسانی (سال ششم)، شماره ۲۳.
- [۸] صادقی‌نیری، رقیه. (۱۳۸۹). حجاب و مراحل تشریح آن در قرآن، فصلنامه پژوهش‌نامه معارف قرآنی، دوره ۱، شماره ۱.
- [۹] مختاری، نادر؛ غیرتمند، سعید و عسکری، محمدعلی. (۱۳۹۴). آثار فردی و اجتماعی عفاف و حجاب و نقش آن در امنیت زنان، فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، دفتر تحقیقات کاربردی فا.ا. خراسان شمالی، سال دوم، شماره ۶.
- [۱۰] رحیمی، عباس. (۱۳۸۵). فرشتگان زمین (کاوشی در چیستی و چرایی پوشش زنان)، نشر جمال.
- [۱۱] رشیدی، حسین. (۱۳۸۵). حریم عفاف، قم: انتشارات را زبان.
- [۱۲] صادقیان، الهام و ساجدی، علی‌محمد. (۱۳۹۴). فلسفه حجاب و عفاف در اسلام و رابطه آن با سلامت روان در زندگی فردی و اجتماعی، اولین همایش ملی اسلام و سلامت روان.